۲۹-۴۷

واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به‌منظور استنتاج دلالتهای آن در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی

مصطفی زبان‌دان [۱] ◉ دکتر محمدحسن میرزا محمدی [۲*] ◉ دکتر محسن فرمهینی فراهانی [۲]

چکیده: هدف پژوهش حاضر واکاوی اخلاق در متامدرنیسم، به‌منظور استنتاج دلالتهای آن در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی است. روش تحقیق اسنادی است که برای ارائه یک مرور نظام‌مند و گردآوری نظریات اخلاقی صاحب‌نظران متامدرنیسم، از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده نیز بهره‌گیری شده است. بنابراین، نخست با به‌کارگیری روش پژوهش اسنادی، به واکاوی اخلاق در متامدرنیسم پرداخته شده، سپس با استفاده از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده به استخراج دلالتهای تربیت اخلاقی متامدرن، شامل اهداف، اصول و روشها پرداخته شده است. همچنین، برای اخلاق در متامدرنیسم، شش ویژگی ترکیبی‌بودن، ساختاری و مرحله‌ای بودن، متنوع و متفاوت حول یک مرکز مشترک بودن، فعال‌کننده نقش سلسله مراتب اخلاقی، اصالت اخلاقی داشتن و گرایش به محبت و مراقبت داشتن به‌عنوان یافته‌های پژوهش مطرح شده است. این پژوهش به‌منزلهٔ نتیجه، هدف غائی رویکرد تربیت اخلاقی در متامدرنیسم را پرورش انسانی تلاشگر در فضای انزواگر پست مدرن درنظر گرفته است که علاوه بر هشت هدف واسطی، هشت اصل و هفت روش تربیت اخلاقی را شامل می‌شود. مؤلفه‌هایی همچون تناسب اخلاقی، ساخت معنا، اصالت ـ محوری، همدلی، صمیمیت فناورانه، توسعه مرحله‌ای، دلخوشی احتمالی و روایتهای بزرگ به‌عنوان اصول رویکرد تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مطرح شده است. همچنین از ترکیب، نسل‌نویسی، همکاری، حضور شناسنامه‌ای، تاریخ‌نگری، بیان تناقض و امید و خوش‌بینی، به‌منزلهٔ روشهای تربیت اخلاقی متامدرن نام برده شده است.

کلید واژگان: متامدرنیسم، اخلاق، تربیت اخلاقی، اهداف تربیتی، اصول تربیتی، روشهای تربیتی

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۳ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۵

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانش‌آموخته دوره دکتری فلسفه تعلیم‌وتربیت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ..... **Email:** mirzamohammadi@shahed.ac.ir

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

مقدمه

منطقهای فکری جدید در عصر هزاره سوم به دو گرایش تقسیم شده‌اند. گروه اول به ادامه دوران پست مدرن[1] در قالب رویکردی‌جدید معتقدند و گروه دوم به خروج از دوران پست‌مدرن و ظهور دورانی جدید تمایل دارند (آلن[2]، ۲۰۲۱). متامدرنیسم[3] که ورمولن و ون‌دن آکر[4] در اواخر دهه اول هزاره سوم برابر با سال ۲۰۱۰ میلادی آن را صورت‌بندی کردند، به ادامه دوران پست‌مدرن در قالب رویکردی‌جدید باوردارد. بنابراین متامدرنیسم نویدبخش یک دوران جدید بعداز پست‌مدرن نیست، بلکه دورانی جدید، درون پست‌مدرن است که با ویژگیهای متفاوتی شناخته می‌شود (همان). متامدرنیسم ساختاری از احساس است که در جهت قطبهای بیشماری میان مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، مانند یک آونگ[5] در حال چرخش، در نوسان[6] است (کونز[7]، ۲۰۱۴). در واقع ظهور مجدد برخی از ویژگیهای هنرهای تجسمی مدرنیستی در هنرهای تجسمی دوران پست‌مدرن، ایدهٔ ظهور یک ساختار احساس را فراهم کرده است. احساس تمایل به‌استفاده از برخی ویژگیهای مدرنیستی در هنر تجسمی پست‌مدرن، خلق آثاری بدیع را به‌همراه داشت که دارای ویژگیهای مدرن و پست‌مدرن به‌طور همزمان بود. این ایده برای اندیشمندان جوان هلندی یعنی ورمولن و ون‌دن آکر، سر آغاز خلق منطق فرهنگی متامدرنیسم شد. ورمولن و ون‌دن آکر در بیان مبانی فلسفی متامدرنیسم بیان می‌کنند که متامدرنیسم در هستی‌شناسی میان مدرن و پست‌مدرن در نوسان است و در معرفت‌شناسی همراه با پست‌مدرن است (ورمولن و ون‌دن آکر، ۲۰۱۰). همچنین، ورمولن و آکر با اخذ «متا» بر پایهٔ مفهوم افلاطونی متاکسی[8] نقطهٔ تمایز متامدرنیسم با مدرن و پست‌مدرن را مشخص می‌کنند، چرا که اگر تعلق‌خاطر مدرنیسم بر آرمان‌شهرگرایی[9] و پست‌مدرنیسم در انکار این آرمان‌شهرگرایی باشد، تعلق متامدرنیسم بر قاعده متاکسی استوار است (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۱۲:۲۰۱۰). پس از اینکه ورمولن و آکر متامدرنیسم را به‌عنوان یک ساختار احساس اعلام کردند، روند تحول و گسترش مفهوم متامدرنیسم متوقف نشد و اندیشمندان دیگری همچون لوک ترنر[10] (۲۰۱۱)، ست‌آبرامسون[11] (۲۰۱۵) و هانزی فریناخت[12] (۲۰۱۷) بر وسعت مفهومی متامدرنیسم افزودند. این توسعهٔ مفهوم متامدرنیسم به عرصه‌های گوناگون کشیده شد و پس از متأثرکردن هنر، به عرصه سیاست و عرصهٔ تعلیم‌وتربیت هم نفوذکرد. متامدرنیسم هنوز درحال گسترش است و از آن‌جا که متامدرنیسم را همچون

1. Postmodern
2. Allen
3. Metamodernism
4. Vermeulen & van den Akker
5. Pendulum
6. Oscillation
7. Kunze
8. Metaxis
9. Utopianism
10. Luke Turner
11. Seth Abramson
12. Hanzi Freinacht

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

قایقی متحرک درنظرگرفته‌اند که درحال تعمیر است (دومیترسکو[1]، ۲۰۱۶)، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده، عرصه‌های دیگری را تحت‌تأثیر قراردهد. جدید بودن متامدرنیسم و عدم آگاهی‌کافی از کیفیت آن، در محافل داخلی و خارجی، عامل جذب پژوهشگران این پژوهش، برای پژوهش در این زمینه شده است. علاوه بر این با مرور نظام‌مند اســـناد موجود، مرتبط و در دسترس متامدرنیسم، این نتیجه به‌دست آمده که هنوز پژوهشـــهای کافی در عرصه‌های گوناگون متامدرنیسم در محافل داخلی، رواج پیدا نکرده است.

باتوجه به اراده پژوهشگران برای پژوهش در زمینه تعلیم‌وتربیت و با مطالعات گستردهٔ صورت‌گرفته، مشخص شد که نقطهٔ اشتراک منطقهای فکری هزاره سوم[2] اخلاق است (آلن، ۲۰۲۱). زیرا این منطقهای فکری، برای گذر از مشکلات و مسائل به‌وجودآمدهٔ جدید در عرصه جهانی، همگی درصدد تغییر اخلاقیات دوران پست‌مدرن‌اند تا بتوانند از این‌طریق بر مشکلات به‌وجود آمده، چیره شوند. بنابراین با این فرض که متامدرنیسم دارای یک رویکرد اخلاقی[3] است، پژوهشگران به‌موضوع تربیت اخلاقی درمتامدرنیسم ورودکردند. به باور پژوهشگران حاضر، در تناسب و ارتباط این‌موضوع با نظام تعلیم‌وتربیت ایران، باتوجه به اثبات نفوذ اصول مدرنیته در آموزش‌وپرورش کشور ایران (آهنچیان و طاهرپور، ۱۳۹۰) و عدم‌موفقیت درتلاش برای تقابل با این اصول از طریق بومی‌سازی آن، با توجه به وضعیت نامناسب موجود در آموزش‌وپرورش در ایران، می‌توان از ظرفیت منطق فکری متامدرنیسم و رویکرد تربیت‌اخلاقی آن برای چیره شدن بر نابسامانیهای موجود آموزش‌وپرورش بهره جست. همچنین تجربه موفق کشورهای اسکاندیناوی در به‌کارگیری رویکرد متامدرن برای پیشرفت تحصیلی (کیلیچ اوغلو و کیلیچ اوغلو[4]، ۲۰۱۹)، می‌تواند در کارشناسان و متخصصان تعلیم‌وتربیت ایران، انگیزه‌ای برای بررسی رویکرد اخلاقی متامدرن ایجاد کند.

جستجو در پیشینه متامدرنیسم، در ورود به مفاهیم اخلاقی، نشان‌دهندهٔ ارائهٔ مقالاتی معدود و محدود، برای اخلاق در متامدرن است. مثلاً در مقاله‌ای باعنوان «متامدرنیسم و اخلاق» به‌بیان تفاوت جهان‌شمولی هسته اخلاق در متامدرنیســم و ویـژگیهای آن پـرداخته شـده است (کمپلین[5]، ۲۰۲۱). همچنین درمقاله دیگری رویکرد متامدرنیسم به اخلاق دربرابر رویکرد آزادیخواهانه به‌اخلاق به‌بحث کشیده شده است تا رویکرد اخلاقی متامدرنیسم و چگونگی پیشگیری این رویکرد از کشیده شدن جامعه به‌سمت یک اجتماع استبدادی شرح داده شود (پیترسون[6]، ۲۰۱۸). همچنین مرورنظام‌مند درمورد رویکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم، نشان می‌دهد که تا به‌حال هیچ‌گونه پژوهشی شامل واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به‌منظور استنتاج دلالتهای آن در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی صورت نگرفته است. بنابراین

1. Dumitrescu
2. Intellectual logics of the third millennium
3. Ethical approach
4. Kılıçoğlu, G. & Kılıçoğlu, D. Y.
5. Camplin
6. Peterson

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

باتوجه به‌نتایجی که از مرورنظام‌مند به‌دست آمد و مباحث و دلایلی که مطرح شد، پژوهشگران، برای ارائه اهداف، اصول و روشهای‌تربیت اخلاقی در متامدرنیسم، واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به‌منظور استنتاج دلالتهای آن در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی را به‌منزلهٔ مسئله پژوهش برگزیده‌اند. به این منظور یافته‌های این پژوهش تحت سئوالات دوگانه زیر، صورت‌بندی می‌شود.

۱. ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم چیست؟

۲. چه استنتاجهایی در اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی متامدرن می‌توان به‌دست‌آورد؟

روش پژوهش

از آن‌جاکه این پژوهش در پی واکاوی اخلاق در متامدرنیسم به‌منظور استنتاج دلالتهای‌تربیتی آن در اهداف، اصول و روشهاست، بنابراین از نظر هدف، بنیادی و کاربردی است و از نظر ماهیت دارای رویکرد کیفی است. در این پژوهش برای پاسخ به سؤال اول از روش تحقیق تحلیل اسنادی استفاده شده است به‌گونه‌ای‌که با این روش به‌گردآوری نظریات اخلاقی صاحب‌نظران متامدرنیسم پرداخته شده است. برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش از روش تحقیق استنتاجی از نوع پیش‌رونده یا لمی، برای استخراج دلالتهای تربیت‌اخلاقی متامدرن شامل اهداف، اصول و روشها از مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی بهره‌گیری شده است. در این روش، پیش از پرداختن به تعلیم‌وتربیت، ابتدا مبانی نظری آن از منابع اخذ می‌شود، سپس اهداف، اصول و روشهای تعلیم‌وتربیت براساس این مبانی سامان می‌یابند. به‌عبارت‌دیگر، پیش‌فرض اساسی این رویکرد این است که میان دیدگاههای بنیادین وجودشناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی هر مکتب با مواضع و دیدگاههای‌تربیتی مأخوذ و مستنتج از آن، رابطه‌ای منطقی و ضروری وجوددارد (رضایی، ۱۳۹۱: ۳۶). لذا برای استفاده از رویکرد پیش‌رونده در این روش، نخست باید دیدگاهها و مواضع فلسفه متامدرنیسم را درزمینه اخلاق باتوجه به ساحتهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی با توجه به منابع موجود، مرتبط و در دسترس مشخص کرد، آنگاه با روش عقلی و از طریق استنتاج، مبانی نظری، اهداف، اصول و روشهای‌تربیت اخلاقی آن را با توجه به ساحتهای سه‌گانه ذکرشده استخراج کرد.

یافته‌ها

◉ ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم چیست؟

۱. ترکیبی بودن[1]: وقتی در فضای فلسفی هزاره سوم بوریو در آلترمدرنیسم[2] بیان می‌کند که ما «خارج از دوره پست‌مدرن و مدل چندفرهنگی وابسته به آن در آستانه یک جهش به عصر جدید

1. Combination
2. Altermodernism

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

قرارگرفته‌ایم» که «ترکیبی میان مدرنیسم و پسامدرنیسم» را آشکار می‌کند (بوریو[1]، ۲۰۰۹: ۲) و همچنین نیالن[2] هم پیرامون پست‌مدرنیسم[3] در زیرنویس کتاب خود مشخص می‌کند که رویکرد خود را از فردریک جیمسون[4] اخذ کرده است تا نشان دهد که نیروهای اقتصادی و فرهنگی درهم تنیده شده‌اند (نیالن، ۲۰۱۲: ۲۶) ویا هنگامی‌که موراروی[5] در کیهان مدرن[6] بیان می‌کند که در این سطح تخیلی فرهنگی، روابط با دیگران (در اینجا به‌معنای فرهنگهای دیگر) به خلاف تحمیل یک فرهنگ مسلط مدرن و پست‌مدرن، در یک «فرایند شکل‌بخشی دوجانبه» به‌عنوان شکل‌دهنده توسعه فرهنگی تلقی می‌شود (مورارو، ۲۰۱۱: ۵۰) و علاوه بر این وقتی‌که لیپووتسکی[7] در هایپرمدرنیسم[8] معتقد است که «از دهه ۱۹۸۰ و به‌ویژه دهه ۱۹۹۰، «نسل دوم حضورگرایی» ظهورکرد که مبتنی بر جهانی‌سازی نئولیبرالی[9] و انقلاب فناوری اطلاعات بود» (لیپووتسکی و چارلز، ۲۰۰۵: ۳۸) و سرانجام آنگاه که ورمولن و ون‌دن‌آکر (۲۰۱۰) در متامدرنیسم دوران جدید را در قالب ترکیب دوران دوگانهٔ مدرن و پست‌مدرن مطرح می‌کنند، همگی اثبات‌کنندهٔ رویکرد ترکیبی این منطقهای فرهنگی است. بنابراین همانگونه که این رویکردهای هزاره سوم در برخورداری از رویکرد اخلاقی فصل مشترک دارند همگی از کلیدواژگان ترکیب هم برخوردارند. پس بدون‌شک رویکردهای اخلاقی هزاره سوم غالباً جنبهٔ ترکیبی دارند. اما با همه این اوصاف، از آن‌جا که متامدرنیسم در تفکر اندیشمندان متامدرنیست تفسیرهای مختلفی پیداکرده است، گمان بر این است که ساختار رویکرد اخلاقی حاصل از این تفاسیر متعدد، متنوع و مختلف خواهدبود.

۲. ساختاری و مرحله‌ای بودن: متامدرن، احساسی[10] است که بیان می‌کند، تمام تجربه بشریت برای پیشرفت مورد نیاز است و نباید درصدد ردکردن و باطل‌کردن باشیم. بلکه باید برای ادامه پیشرفت از هر آنچه مانع پیشرفت می‌شود به‌واسطه نوسان عبورکنیم چراکه همان مانع، ممکن است در موقعیتی دیگر خود عاملی برای پیشرفت باشد. در واقع متامدرنیسم در خود از روحیهٔ عملگرایی[11] نیز برخوردار است (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰) چرا که به‌نفع پیشرفت[12] و به‌دست‌آوردن سود عمل می‌کند. متامدرنیسم با برخورداری از این ویژگی در مقابل تخریب پست‌مدرن از سنتها و مدرنیسم، به بازنگری مسیر طی‌شده از مدرن تا پست‌مدرن می‌پردازد و مسیر را به‌گونه‌ای اصلاح می‌کند

1. Bourriaud
2. Nealon
3. Post-postmodernism
4. Frederic Jameson
5. Moraru
6. Cosmodernism
7. Lipovetsky & Charles
8. Hypermodernism
9. Neoliberal globalization
10. Feeling
11. Pragmatism
12. Progress

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

که ساختاری رها شده از نقدپست‌مدرن به‌دست‌آید. بنابراین در مباحث اخلاقی درفضای متامدرن حضور ساختارهای مدرن‌گونه به‌شکلی اصلاح شده و موثر به چشم می‌خورد. از این رو ویژگی تعیین کننده و مهم‌ترین جنبه متامدرن تفکر «گویی»[1] است. همچنین متامدرنیستها برای رشد و توسعهٔ مرحله‌ای[2]، ارزش قائل می‌شوند درحالی‌که پست‌مدرنیستها به سبب ارزشهای پست‌مدرنیستی همه‌چیز را نقد و تخریب می‌کنند، به‌گونه‌ای که ظلم و ستم را با سیستم‌سازی مترادف می‌بینند (فریناخت، ۲۰۱۹).

در متامدرنیسم پس از ساختارشکنی باید به بازسازی پرداخته شود و همچنین از کثرت[3] دیدگاهها گذشته از نامبردن و توصیف آنها باید به مقایسهٔ آنها با هم پرداخته شود تا مشخص شود که آیا طبق روال همیشگی و وجود تفاوتهای رشدی، باتوجه به فضای فرهنگی موجود، ارزشهای این دیدگاه غیر منطقی جلوه می‌کند و به سبب فشار واردشده تخریب و به فرهنگ دیگری تبدیل می‌شود؟ (فریناخت، ۲۰۱۹). مثلاً هانزی فریناخت در کتاب جامعهٔ شنوا[4] بیان می‌کند که انسانها به‌این دلیل از اعتقادات شرک‌آلود به جهان‌بینی توحیدی، اسطوره‌ای[5]ـ روشنفکری رو می‌آورند که ابتدا فهم و درک وجود یک حقیقت عالی آنها را به‌این نتیجه می‌رساند که فقط یک حقیقت عالی می‌تواند وجود داشته باشد، به‌گونه‌ای‌که این حقیقت عالی آنها را به‌سمت باور به خداوند به‌عنوان بالاترین حقیقت اخلاقی می‌برد. اما همین انسان ابتدا با انقلاب علمی و سپس با روشنگری تحت‌عنوان مدرنیته[6]، سرچشمه‌گیری اعتقاد به آن حقیقت جهانی را به‌دلیل عدم اعتقاد به مکاشفه خاص فردی، رد می‌کند و از توان تأیید و بررسی آن حقیقت از سوی همه مردم سخن به‌میان می‌آورد (فریناخت، ۲۰۱۷). بنابراین چیزی به‌جز این، نمی‌تواند بالاترین حقیقت محسوب شود و این سبب تخریب اعتقادات مرحله پیشین می‌شود. این نوع تفکر در نظامهای ارزشی پست‌مدرن چندان رایج نیست ولی متامدرنیستها از کثرت این دیدگاهها به مقایسهٔ آنها و دیدن مسیر رشد و توسعهٔ آنها می‌پردازند. در نتیجهٔ این توسعهٔ مرحله‌ای حس تنفر از دیدگاههای دیگر به معیارهایی هم‌ردیف وزن، قد یا هوش یک فرد تبدیل می‌شود تا از این طریق بتوان آن را مورد محاسبه و اندازه‌گیری قرار داد، چرا که یک توسعهٔ روانی و فرهنگی پدیدار شده است که تکامل فرهنگها و مغزها را به‌همراه داشته است.

۳. متنوع و متفاوت حول یک مرکز مشترک بودن: در بحث اخلاق اگر چه مدرنیسم جهانی‌بودن را می‌پذیرفت و پست‌مدرنیسم جهانی بودن را به نفع جوامع گفتمانی رد می‌کرد، ولی متامدرنیسم

1. "As-if" thinking
2. Staged growth and development
3. Plurality
4. The Listening Society
5. Mythical
6. Modernity

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

با اتکا به توان ما در به رسمیت شناختن یک نظام اخلاقی متفاوت در یک فرهنگ دیگر، معتقد است که پایه‌ای برای اخلاق وجود دارد که به‌اندازه کافی سبب شباهت و برقراری ارتباط اخلاق ما با یکدیگر می‌شود و به‌دلیل وجود این تفاوتها، زندگی ما در جوامع گفتمانی مختلف است. مثلاً جامعه‌شناسی متامدرنیستی[1] توضیحات روان‌شناسی تکاملی دینامیکی[2] را معتبر می‌داند، زیرا توضیح می‌دهد که چگونه تنوع می‌تواند از یک طبیعت انسانی مشترک ناشی شود (کمپلین، ۲۰۲۰). البته شایان ذکر است که جهان‌شمولی متامدرنیسم با جهان‌شمولی[3] مدرنیسم متفاوت است و نباید این دو را یکسان تلقی کرد. جهان‌گرایی مدرنیستی از هستهٔ ثابتی برخوردار است به‌گونه‌ای که برای اخلاقی و انسانی‌تر بودن، همه باید به‌سمت آن هسته حرکت کنند ولی، جهان‌شمولی متامدرنیستی دارای مرکز غایبی است که ما را به‌ایجاد جوامع گفتمانی‌ترغیب می‌کند که در آن تغییرات در یک الگوی پیچیده ظاهر می‌شوند. به این معنا که مدرنیسم جاذبه‌ای ساده است که همه را به یک سمت می‌کشاند. ولی متامدرنیسم دارای جاذبه عجیبی است که نوسانات نامنظم، تنوع و تفاوت بیشتر ایجاد می‌کند، اما پیرامون مرکزی که هرگز نمی‌توان به آن دست یافت و ظهور آن در بیرون از خود سیستم قابل درک نیست. این حاکی از وجود یک تفاوت بزرگ میان این دوست ـ تفاوتی که نمی‌توانست بدون نقد پست‌مدرن از مدرنیسم پدیدارشود (کمپلین، ۲۰۲۰).

۴. فعال‌کننده نقش سلسله‌مراتب اخلاقی[4]: بازگشت سلسله‌مراتب از ویژگیهای اساسی تفکر متامدرن است. سلسله‌مراتب در همه‌جا حضور دارد. یک هواپیما از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک ماشین است، یک ماشین از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک دوچرخه است، یک دوچرخه از نظر فیزیکی پیچیده‌تر از یک اسکیت بورد است. این سلسله‌مراتبی است که با توجه به پیچیدگی فیزیکی آن، تقریباً هیچکس اعتبار آن را انکار نمی‌کند. ولی بسیاری از نسبی‌گرایان اخلاقی، همچون پست‌مدرنیستها از ساختارشکنی سلسله‌مراتبی حمایت می‌کنند که اعتبار اخلاقی با آن سنجیده می‌شود (دامیکو[5]، ۲۰۱۷). درنتیجه، پست‌مدرنیستها نمی‌توانند نسبت به بهتر بودن عشق از نفرت یا صلح از نزاع تصمیمی اتخاذ کنند. بنابراین هدف متامدرنیسم فعال کردن نقش سلسله‌مراتب اخلاقی است، زیرا با این سلسله‌مراتب می‌توان مشکلات ایجاد شده و غیرقابل‌حل از چشم‌انداز اخلاقی مسطح و یکنواخت پست‌مدرنیسم را برطرف کرد چرا که ساختارشکنی اخلاقی همچون یک دیوار آجری است که نه خود حرکت می‌کند و نه می‌توان چیزی را در آن حرکت داد. با احیای سلسله‌مراتب اخلاقی، سرانجام می‌توانیم از موانعی عبور کنیم که پست‌مدرنیسم تعیین

1. Metamodernist sociology
2. Dynamic Evolutionary Psychology
3. Universality
4. Moral hierarchy
5. Damico

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

کرده است؛ موانعی که از پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، شخصی و سیاسی پیشگیری می‌کند و کاری جز گیرانداختن ما در باتلاق انجام نمی‌دهد (دامیکو، ۲۰۱۷).

۵. **اصالت اخلاقی داشتن:** ظهور اخلاقیات روزمره، یعنی نظام اخلاقی اصیل، صداقت آشکار و پاکی از ویژگیهای بارز متامدرنیسم است. اخلاقی که در آن امر کلی با امر معمولی ترکیب می‌شود و صداقت واقعی بر امر عمومی برتری پیدا می‌کند. بنابراین مدیریت ساختارهای اخلاقی از ایده‌های متافیزیکی الزام جهان بالا نیست، بلکه از معنای وجود در جهان پایین به‌مثابه یک ارزش جهانی و درحکم شکلی از فهم خارج از خطی بودن زمانی است (شابنووا[1]، ۲۰۲۰).

۶. **گرایش به محبت و مراقبت داشتن:** اندیشمندانی همچون دومیترسکو (بالم)[2] سخن از پویایی متامدرنیسم به‌سبب توجه به «اخلاق مراقبت از دیگری»[3] و «ارتباط متقابل»[4] به میان آوردند و امکان درک ماهیت پدیده‌های فرهنگی و ادبی معاصر را در پیوند و بازنگری مستمر آنها در نظر گرفتند (دومیترسکو، ۲۰۱۶). متامدرنیستها برای از بین بردن انزوای حاصل از اخلاقیات پست‌مدرنیسم، سعی می‌کنند با گسترش چتر اخلاق محبت و مراقبت از دیگری، به‌نوعی برای خود جهانی بهتر بسازند. به‌این مفهوم که برخورداری از اخلاق محبت و مراقبت علاوه بر یاری‌کردن دیگران، در ساختن محیطی امن‌تر و بهتر برای خود هم مفید است، ازاین‌رو افرادی برخوردار از طبقات اجتماعی بالاتر با افراد طبقات پایین‌تر از طریق اخلاق محبت و مراقبت معاشرت می‌کنند.

براساس ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم چه استنتاجهایی در اهداف، اصول، روشهای تربیت اخلاقی می‌توان به‌دست آورد؟

با توجه به ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم اکنون می‌توان با استفاده از روش استنتاجی از نوع پیش‌رونده به اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی دست‌یافت. بنابراین برای تربیت انسانی برخوردار از اخلاق متامدرنیستی طبق ویژگیهای ذکر شده برای اخلاق در متامدرنیسم باید علاوه بر ذکر مبانی تربیتی اخلاق در متامدرنیسم به استخراج اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی نیز پرداخت.

◉ مبانی تربیت اخلاقی در متامدرنیسم

پژوهشگر با توجه به ویژگیهای اخلاق در متامدرنیسم، درنهایت از طریق استنتاج به این نتیجه می‌رسد که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مبتنی بر مبانی تربیتی سه‌گانهٔ زیر است:

۱. رویکردهای سنتی تربیت اخلاقی، قطبی مؤثر در تربیت اخلاقی متامدرنیسم است: در تشریح و تأیید این مبنا باتوجه به‌نظریات اندیشمندان متامدرنیست مبنی بر نوسان متامدرنیسم

1. Shabanova
2. Balm
3. An ethics of care
4. Interconnection

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

میان قطبهای مـدرن و پست‌مدرن که ایجاد نوعی تعادل به‌سبب نوسان میان این قطبها را به‌همراه دارد (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰) و همچنین با توجه به اصل تناقض در متامدرنیسم (آبرامسون، ۲۰۱۵)، می‌تـوان استنتاج کـرد که متامدرنیسـم در زمینـه‌های گوناگون، از جمله اخلاق به سبب نوسان به فعال کردن رویکردهای سنتی‌تربیت اخلاقی می‌پردازد و در پاسخدهی به موقعیتهای اخلاقی جدـید از رویـکردهای تـربیت اخـلاقی سنتی استفـاده می‌کند. بنابراین درتربیت اخلاقی متامدرنیسم رویکردهای‌تربیت اخلاقی گذشته هم مؤثرند و هم مورد استفاده قرارمی‌گیرند.

۲. محبت و مراقبت[1] اساس تربیت اخلاقی در متامدرنیسم است: از آن‌جا که در نظر متامدرنیستها محبت و مراقبت عاملی برای ساختن یک کلیت است (دومیترسکو، ۲۰۱۶)، پژوهشگر استنتاج کرده است که تحقق ساخت یک وحدت[2] و کلیت در متامدرنیسم منوط به‌تربیت افرادی با ویژگی اخلاقی محبت و مراقبت است. بنابراین نتیجهٔ استنتاج[3] پژوهشگر به پایـه و اسـاس بودن محبت و مراقبت در تربیت اخلاقی ختم شده است.

۳. تربـیت اخـلاقی[4] در متامدرنیسـم مبتنی بر امیـد[5] است: واکـاوی اخلاق در متامدرنیسم، مبنی بر اینکه حرکت در فضای متامدرنیسم در هاله‌ای از ابهام صورت می‌گـیرد ولـی امید و شوق به‌یافتن یا دستیـابی به هـدفی که دور از دسـترس است (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰)، مانع از عدم‌تحرک می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه رویکرد «گویی» برای ختم‌شدن به بهبود اخلاقی و سیاسی طراحی شده است و در واقع «نوع بشر، مردمی‌اند که اگر چه به سمت یک هدف طبیعی و ناشناخته حرکت نمی‌کنند، اما وانمود می‌کنند که این کار را انجام می‌دهند تا هم از نظر اخلاقی و هم از نظر سیاسی پیشرفت کنند» (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵). پژوهشگر را به این استنتاج رسانده است که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم برای رها کردن خود از دام نخوت و انزوای[6] حاکم بر پست‌مدرنیسم مبتنی بر امید و شوق به یافتن موقعیتی مطلوب است.

◉ اهداف تربیت اخلاقی[7] در متامدرنیسم

۱. هدف غائی[8]: پـرورش انسـانی تلاشـگر در فضـای انزواگر پـست‌مدرن: با تـوجه به هدف نهایی متامدرنیسم به‌منزلهٔ ادامه پیشرفت تمدن بشریت پس از انزوای دوران پست‌مدرنیسم (دامیکو، ۲۰۱۷)

1. Kindness & Care
2. Unity
3. Inference
4. Moral education
5. Hope
6. Isolation
7. The Goals of Ethics Education
8. The Ultimate Goal

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

می‌توان به این نتیجه دست یافت که هدف غائی‌تربیت اخلاقی در متامدرنیسم، پرورش فردی تلاشگر در فضای انزواگر پست‌مدرن است.

۲. اهداف واسطی

۲-۱. پرورش فردی برخوردار از اخلاق مسئولیت‌پذیری[1]: اگر فرهنگ متامدرنیسم، مفاهیم اخلاقی بازسازی[2]، اسطوره‌ای[3] و متاکسی (قطبهای متضاد) زیباشناسی را جانشین احکام ساختارشکن، غیرمنطقی و تقلیدی[4] زیباشناختی می‌کند و تمرکز خود را به‌جای جزم‌گرایی بر گفتگو استوار می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۲)، یا اگر متامدرنیسم با وجود رنگی از رمانتیسیسم ناگوار، با وجود شکستی اجتناب‌ناپذیر، برای حرکت، تلاش می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵)، در واقع در پی خروج از بی‌تفاوتی پست‌مدرن است. بنابراین از این مفاهیم، این نتیجه حاصل می‌شود که رویکرد تربیت اخلاقی متامدرن، مسئولیت‌پذیری را به‌منزلهٔ یک هدف واسطی پیگیری می‌کند.

۲-۲. پرورش فردی آگاه از ریشه‌ها در فضای متکثر پست‌مدرن: اگرچه پست‌مدرن در فضای انزواگر خود، افراد را در کثرتهای مختلف غرق کرده است ولی متامدرن در پی جبران این ضایعه از طریق آشنایی با ریشه‌ها و تعریف بنیاد هستی است (دومیترسکو، ۲۰۱۶). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم در پی پرورش افرادی آگاه از ریشه‌ها[5] و بنیادهای هستی و قادر به بازتعریف این مفاهیم، برای آزادی از چنگال بی‌هویتی پست‌مدرن است.

۲-۳. پرورش فردی با تعصبات موقعیتی:[6] «آرمان‌گرایی‌عملگرایانه» متامدرنیسم (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵) که دوری از تعصب و ساده‌لوحی مدرن و نیز شک و بی‌تفاوتی پست‌مدرن را به‌همراه دارد، پژوهشگران را به این نتیجه می‌رساند که سومین هدف واسطی که در تربیت اخلاقی متامدرنیسم مورد توجه قرار می‌گیرد، داشتن تعصبات موقعیتی است. یعنی برای برخورداری از مجموعه‌ای از موضعهای اخلاقی برای استفاده در موقعیتهای اخلاقی متفاوت، نمی‌توان نسبت به مواضع اخلاقی گوناگون تعصب دائم داشت چرا که این تعصب مانع از انتخاب موضعی صحیح می‌شود. همچنین، متناسب با موقعیتهای اخلاقی به‌وجودآمده، باید از بی‌تفاوتی هم دوری کرد و داشتن نوعی تعصب موقعیتی، برای گذر از بحرانهای اخلاقی دوران پست‌مدرن، مورد نیاز است.

1. Ethics of responsibility
2. Reconstruction
3. Myths
4. Pastiche
5. Roots
6. Situational fanaticism

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۲-۴. پرورش فردی دارای قدرت خلاقیت[1]: متامدرنیسم از طریق نوسان، به‌گونه‌ای جدید به بازسازی ساختارهای مدرن در فضای پست‌مدرن می‌پردازد (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰). این بازسازی به‌گونه‌ای خلاقانه برای گذر از مشکلات جدید، انجام می‌شود. بنابراین برای چهارمین هدف واسطی در تربیت اخلاقی متامدرنیسم می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم در پی پرورش افرادی با توانایی خلاقیت است. یعنی فردتربیت شده در رویکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم، قادر است با ترکیب ویا بازخوانی مواضع اخلاقی مدرن، به‌نحو خلاقانه‌ای مواضع اخلاقی جدیدی برای گذر از تنگناهای اخلاقی پست‌مدرنیسم ارائه کند.

۲-۵. پرورش انسانی مددکار[2]: همانگونه که متامدرنیسم با مبنای محبت و مراقبت از خود و دیگران، در پی کلیت‌سازی از جامعهٔ گسسته پست‌مدرن است (دومیترسکو، ۲۰۱۶)، به‌منزلهٔ پنجمین هدف واسطی، می‌توان نتیجه گرفت که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم در پی پرورش افرادی با اخلاق مددکاری است.

۲-۶. پرورش فردی با قدرت اراده[3] **در انتخاب:** در واکاوی اخلاق متامدرنیستی بیان شد که فرد متامدرنیست همیشه در فضایی مبهم به سمت اهدافی دور از دسترس حرکت می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵). از این نکته استنتاج می‌شود که ادامهٔ حرکت بسته به داشتن قدرت اراده در انتخاب، برای تصمیم‌گیری است. بنابراین برخورداری از قدرت اراده در انتخاب به‌منزلهٔ پنجمین هدف تربیت اخلاقی متامدرنیسم در نظر گرفته می‌شود.

۲-۷. پرورش فردی همدل[4] **با دیگران:** از بیان ویژگی رشد و توسعهٔ مرحله‌ای (فریناخت، ۲۰۱۷) برای اخلاق در متامدرنیسم، می‌توان استنتاج کرد که تربیت اخلاقی در متامدرنیسم به‌دلیل عدم تمسخر دیگران، در پی پرورش فردی همدل با دیگران است. بنابراین، وضعیت اخلاقی افراد به‌عنوان یک ساختار مرحله‌ای درنظر گرفته می‌شود که افراد در این ساختار، فقط دارای تفاوت رتبه‌اند و با گذشت زمان، افراد، رتبه‌های بالاتر را درک می‌کنند. بنابراین وضعیتی این‌گونه، مستحق خودبرتری نیست، بلکه مستحق انتظار است.

۲-۸. پرورش فردی معیارپذیر: بسیاری از نسبی‌گرایان اخلاقی، همچون پست‌مدرنیستها از ساختارشکنی سلسله‌مراتبی که اعتبار اخلاقی با آن سنجیده می‌شود، حمایت می‌کنند (دامیکو، ۲۰۱۷). اما متامدرنیسم به احیای نقش سلسله مراتب[5] می‌پردازد. بنابراین می‌توان استنتاج کرد که متامدرنیسم، از طریق معتبر دانستن نقش سلسله‌مراتبی، درصدد دستیابی به معیارهایی برای

1. Creativeness
2. Helper
3. Willful
4. Empathy
5. Hierarchy

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

تعیین اعتبار اخلاقی در موقعیتهای گوناگون است. درنتیجه تربیت اخلاقی در متامدرن، پرورش افرادی معتقد به معیارها را به‌عنوان یک هدف واسطی پیگیری می‌کند.

◉ اصول تربیتی اخلاق در متامدرنیسم

● مبنـــای اول: رویکردهای ســـنتی تربیت اخلاقی، قطبی مؤثـــر در تربیت اخلاقی متامدرنیسم است.

۱. اصل تربیتی تناسب اخلاقی[1]: از آن‌جا که هدف تربیت اخلاقی متامدرنیسم برای برون‌رفت از انزوای پست‌مدرن، پرورش روحیه مبارزه با تأثیرات فرهنگی اندیشه پست‌مدرن بر تعاملات اجتماعی، تلاشهای هنری و فرایندهای فکری است (دامیکو، ۲۰۱۷) و همچنین با توجه به هدف واسطی پرورش افرادی بـرخوردار از تعصبـات موقتی، می‌توان تناسب اخلاقی را به‌منزلهٔ نخستین اصل تربیت اخلاقی در متامدرنیسم ارائه کرد. طبق این اصل تربیتی، باید به‌تربیت انسانی پرداخته شود که قادر باشد ابعاد اخلاقی پست‌مدرنیستی، مدرنیستی و پیشامدرن (رمانتیسم، روشنگری) را در موقعیتهای اخلاقی متفاوت برای داشتن مواضع اخلاقی متناسب با ادامهٔ مسیر رشد و پیشرفت به‌کارگیرد تا توانایی به حرکت درآوردن تمدن و فرهنگ به‌سمت پیشرفت را داشته باشد.

۲. اصل تربیتی ساخت معنا[2]: پس از نگرش کنایه‌آمیز پست‌مدرنیسم که به نهیلیسم انجامید و باتوجه به هدف واسطی پرورش افرادی بهره‌مند از خلاقیت، باید به‌تربیت انسانی پرداخته شود که برای ساختن معنا و حقیقت تلاش کند. بنابراین می‌توان ساخت معنا را به‌عنوان یک اصل تربیتی در متامدرنیسم ارائه داد. طبق این اصل باید به‌تربیت انسانی پرداخت که با بیانی صادقانه به‌منزلهٔ واقعی‌ترین تجلی متامدرنیسم، بتواند بدبینی و کنایه پست‌مدرن را به چالش بکشد و با تجلی صداقت در خود بتواند بازگشت به جنبشها و روندهایی مانند رمانتیسیسم را محقق سازد. این امر از راه ترکیب اخلاق کنـایه‌آمیز پـست‌مدرن و اخـلاق صداقت ـ محور مدرنیسم به‌منظور تشکیل طنزی مشتمل بر صداقتی جدید و متفاوت از پست‌مدرنیسم، محقق می‌شود. متامدرنیستها به‌اخلاقی غیر از اخلاق طعنه‌آمیز فکر می‌کنند. بنابراین اگرچه می‌دانند همه‌چیز مبهم و پیچیده است اما باتکیه بر صداقت جدید به تلاش خود ادامه می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر این‌اصل، اخلاق انسانهای تربیت‌شدهٔ بعد از پست‌مدرنیسم را توصیف می‌کند. به‌این‌معنا که متامدرنیستها می‌خواهند با وجود تأثیرات پست‌مدرن بر هنر، تفکر و اخلاق ما به صداقت و امید برای پیشرفت و گشایش در مشکلات بازگردند.

1. Ethical appropriateness
2. Making meaning

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۳. اصل تربیتی اصالت ـ محوری[1]: با توجه به هدف واسطی پرورش فردی آگاه از ریشه‌ها در فضای متکثر پست‌مدرن و همچنین توجه به تلاش متامدرنیسم برای تعریف ریشه‌ها و بنیاد هستی (دومیترسکو، ۲۰۱۶) می‌توان نتیجه گرفت که سومین اصل تربیتی اخلاق در متامدرنیسم، اصالت ـ محوری است. بنابراین، طبق این اصل باید به تربیت انسانی پرداخته شود که قادر به تعریف ریشه‌ها و بنیاد هستی باشد چرا که باید از طریق قالبهای معنایی جدید و تشکیل ساختاری واحد از گرفتاری در اخلاق متلاشی شدهٔ دوران پست‌مدرنیسم دور شود. درواقع تربیت اخلاقی در متامدرنیسم از طریق این اصل تربیتی در پی حد وسط مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بودن نیست، بلکه در پی ایجاد اصالتی مخصوص به خود است که آن را از طریق بازنگری سنتها و برقراری گفتگویی مداوم با پارادایمهای فکری قدیمی‌تر محقق می‌سازد. بنابراین عملکرد تربیت اخلاقی متامدرنیسم، تربیت افرادی قادر به خنثی‌سازی رد مدرنیستی سنتها و فروپاشی طعنه‌آمیز پست‌مدرن است.

● **مبنای دوم: محبت و مراقبت اساس تربیت اخلاقی در متامدرنیسم است.**

۱. اصل تربیتی مراقبت: از بیان هدف واسطی پرورش انسانی مددکار و همچنین تلاش متامدرنیسم برای گذر از مرزهای طبقاتی (دومیترسکو، ۲۰۱۶)، می‌توان نتیجه گرفت که متامدرنیسم از مراقبت به‌منزلهٔ یک اصل در تربیت اخلاقی بهره می‌گیرد. بنابراین طبق این اصل باید انسانی تربیت کرد که بتواند از مرزهای طبقاتی و ایجاد اخلاقی از همدلی و مراقبت گذر کند، به‌گونه‌ای که سبب به چالش کشیده شدن شرایط اجتماعی برای گذر از مرزهای طبقاتی شود. در واقع طبق این اصل تربیتی، افراد باید به محبتهایی ساده همچون همدلی و مراقبت بازگردند، چرا که این افراد می‌توانند از طریق اخلاق محبت و مراقبت در نقش از بین برندهٔ تفاوتها و فاصله‌ها ظاهر شوند. درنتیجهٔ این اخلاق می‌توان جامعه متکثر و فروپاشیدهٔ پست‌مدرنیسم را با وجود همه مشخصات آن به یک کل واحد تبدیل کرد. به همین دلیل در جامعه اخلاقی متامدرن همهٔ اقشار جامعه در همه طبقات با یکدیگر از طریق اصل همدلی و مراقبت مرتبط می‌شوند. این ارتباط به سبب اخلاق همدلی از مشکلات می‌کاهد، بنابراین وجود اجتماعی با مشکلات اخلاقی کمتر سبب برخورداری از زندگی بهتر برای تک‌تک افراد می‌شود. اصل همدلی یک وظیفه است که همه افراد از آن سود می‌برند و نمی‌توان آن را یک دلسوزی از روی ترحم ویا یک کمک ایثارگرانه در نظر گرفت. این اصل دارای عملکردی دو جانبه است و در آن محبت‌کننده و محبت‌گیرنده ارزش یکسانی دارند، چرا که هر دو برای وجود یک جامعه اخلاقی بهتر عمل می‌کنند.

1. Axial authenticity

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

۲. اصل تربیتی صمیمیت فناورانه[1]: فروپاشی فاصله‌ها از ویژگیهای بارز متامدرنیسم در عصر اینترنت است (آبرامسون، ۲۰۱۵). اینترنت با از بین بردن مرزهای جغرافیایی و محدودیتهای مسافتی سبب نزدیک شدن همه جوامع به یکدیگر شده است به‌گونه‌ای که احساس فروپاشی همهٔ فاصله‌ها میان جوامع به شدت در حال گسترش است. این فناوری افراد مناطق گوناگون جهان را تحت پوشش قرار داده است و نوعی اخلاق همبستگی و صمیمیت را در میان جوامع مختلف ایجاد کرده است. حضور این فناوری، تربیت اخلاقی مخصوص به‌خود را ضرورت بخشیده است. با توجه به این ویژگی و تحت مبنایی که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که صمیمیت فناورانه، می‌تواند به‌عنوان یک اصل تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مطرح باشد. طبق این اصل تربیتی، در متامدرنیسم که متعلق به عصر اینترنت است، باید به‌تربیت افرادی آشنا به فناوری اطلاعات و ارزشهای جامعه اینترنتی پرداخته شود، زیرا فناوری اینترنت سبب تشکیل یک جامعه مربوط به فناوری اطلاعات[2] شده است که زندگی در این جامعه را نیازمند کسب اخلاق مخصوص به‌خود کرده است. درنتیجه، این اصل به‌تربیت افرادی می‌پردازد که ضمن مشارکت در فروپاشی فاصله‌های اخلاقی، به‌ویژه فاصله میان اخلاقیات به‌نظر متضاد، به بازسازی حسی از تمامیت اخلاقی می‌پردازد. طبق این اصل تربیتی، افراد باید از محیط اخلاقی پیرامون خود فراتر روند و با هدف ایجاد تغییرات مثبت اخلاقی در جوامع و جهان به سمت پیشرفت اخلاقی حرکت کنند.

۳. اصل تربیتی توسعهٔ مرحله‌ای[3]: متامدرنیستها برای رشد و توسعهٔ مرحله‌ای، ارزش قائل‌اند در حالی که پست‌مدرنیستها به‌سبب ارزشهای پست‌مدرنیستی همه چیز را نقد و تخریب می‌کنند (فریناخت، ۲۰۱۹). همچنین متامدرنیسم در پی بازگرداندن نقش سلسله‌مراتب است (دامیکو، ۲۰۱۷). باتوجه به این ویژگیها می‌توان نتیجه گرفت که متامدرنیسم در تربیت اخلاقی به اصل تربیتی توسعهٔ مرحله‌ای معتقد است. طبق این اصل، در تربیت اخلاقی متامدرنیسم افرادی تربیت می‌شوند که دیدگاه تکاملی به اخلاق داشته باشند. بنابراین تربیت اخلاقی متامدرنیسم به بازسازی سلسله‌مراتب اخلاقی به‌منزلهٔ ملاک سنجش اعتبار اخلاقی می‌پردازد. این اصل تربیتی سبب تعدیل قضاوتهای اخلاقی می‌شود، چراکه برای اخلاق، سیری تکاملی درنظر می‌گیرد و افراد را از نظر اخلاقی در دوره‌های مختلف قرار می‌دهد. بنابراین در اخلاق متامدرنیستی با این دیدگاه، اخلاقیات همه اقوام و جوامع قابل احترام و تنها از نظر زمانی نسبت به یکدیگر دارای تقدم و تأخرند. با استفاده از این اصل متامدرنیسم به‌تربیت انسانهایی می‌پردازد که با درنظرگرفتن سلسله‌مراتبی بودن اخلاق، می‌توانند برای حل مسائل اخلاقی ایجاد شده از چشم‌انداز یکنواخت اخلاقی پست‌مدرنیسم اقدام کنند تا به‌سبب احترام و محبت به یک کلیت دست پیداکنند.

1. Technological sincerity
2. Information Technology
3. Staged development

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

● **مبنای سوم: تربیت اخلاقی در متامدرنیسم مبتنی بر امید است.**

۱. اصل تربیتی دلخوشی احتمالی[1]: حرکت در فضای متامدرنیسم در هاله‌ای از ابهام صورت می‌گیرد. همچنین، متامدرنیسم از رویکرد «گویی» استفاده می‌کند (ورمولن و ون‌دن‌آکر، ۲۰۱۰: ۵)، بنابراین از این دو ویژگی می‌توان اصل دلخوشی احتمالی را به‌دست آورد. طبق این اصل، باید انسانی تربیت شود که دارای احساس توانمندی برای پیشرفت در داشتن جهانی بهتر با وجود طبیعت آشفته پست‌مدرن، با تکیه بر ایده‌آلیسم منفی کانت باشد به‌گونه‌ای که با یک دلخوشی احتمالی فرض می‌کند که می‌تواند برای پیشرفت در امر اخلاق وانمود کند که به‌سمت اهدافی طبیعی اما ناشناخته حرکت کند. برخورداری از این اخلاق سبب خارج شدن انسان از انزوای اخلاقی پست‌مدرن می‌شود.

۲. اصل تربیتی روایتهای بزرگ[2]: متامدرنیسم با احیای فراروایتها با بحرانهای پست‌مدرنیسم مقابله می‌کند (آبرامسون، ۲۰۱۵). با توجه به این ویژگی و مبنای امید، می‌توان برای تربیت اخلاقی متامدرنیسم، اصل تربیتی روایتهای بزرگ را به‌دست آورد. طبق این اصل باید به تربیت اخلاقی انسانی پرداخته شود که برای چیرگی بر فرابحرانهای اخلاقی به‌وجود آمده در زمینه‌های اجتماعی و اخلاقی با بهره‌گیری از روایتهای بزرگ تخریب شده از سوی پست‌مدرن به تقابل با این بحرانها برود، با این تفاوت که متامدرن، معتقد به روایتهای بزرگ اخلاقی جزمی و ثابت نیست، بلکه به‌تناسب، این روایتهای اخلاقی را مورد تجدید نظر قرار می‌دهد تا خود مانعی در برابر پیشرفت و جریانهای اخلاقی نباشد.

◉ روشهای تربیتی اخلاق در متامدرنیسم

۱. روش ترکیب[3]: با توجه به اثبات ویژگی ترکیبی‌بودن منطقهای فکری هزاره‌سوم، از جمله متامدرنیسم می‌توان برای تربیت اخلاقی در متامدرنیسم روش ترکیب را به‌دست آورد. طبق این روش دانش‌آموزان می‌آموزند که چگونه از ترکیب مواضع اخلاقی مدرن و پست‌مدرن به مواضع اخلاقی جدیدی دست‌یابند تا به نحوی موثر بتوانند بر مشکلات پیچیده و چند وجهی هزاره سوم چیره شوند. مثلاً در این روش دانش‌آموزان با حضور در اماکن مقدس و سنتی چون کلیسا علاوه بر حضور در سنت و مدرن با اضافه‌کردن چندین نوع مراسم و اجرای آن در حواشی کلیسا سعی می‌کنند مفهوم قداست تک‌بعدی کلیسا را به‌سمت یک مکان گردشگری گسترش دهند تا از این ترکیب، نوعی رونق در بازار کلیسا ایجاد کنند. همچنین در مثالی دیگر دانش‌آموزان سعی می‌کنند با طراحی

1. Possible happiness
2. Grand narratives
3 . Combination method

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

انتقادات نسبت به تخریب محیط زیست در یک نمایش کمدی، این انتقادات کنایه‌آمیز را با دیالوگهای متفاوت آغشته به‌نوعی صداقت به‌نوعی طنز تبدیل کنند تا بینندگان بیشتری را برای خندیدن به خود جلب کند و در عین حال وضعیت تخریب محیط‌زیست را هم بیان کنند.

۲. **روش نسل‌نویسی (شجره‌نویسی)**[1]: با توجه به اصل تربیتی اصالت ـ محوری، همچنین ویژگی فروپاشی فاصله‌ها در متامدرنیسم، می‌توان روش نسل‌نویسی را به‌دست‌آورد. دانش‌آموزان با این روش سعی می‌کنند که فردگرایی و فروپاشی نسلها را در پست‌مدرن جبران کنند. دانش‌آموزان با طراحی کردن نموداری از اجداد و پدران خود در صدد آشنایی با هویت نسلی خود قرار می‌گیرند و از این طریق با بررسی خاطرات و وقایع موجود در مورد اجداد خود با اخلاقیات مشترک نسل خود آشنا می‌شوند. این روش پس از اخلاق انزوای پست‌مدرن به دانش‌آموزان اصالت اخلاقی جدید می‌بخشد تا آنها به ریشه‌های اخلاقی خود در جهان پی ببرند و با گسترش این روش آنها بتوانند ریشه‌های دیگر هستی را بشناسند و در جهان بدون ریشه پست‌مدرن به ریشه‌های اصالتی اخلاقی خود بازگردند.

۳. **روش همکاری**[2]: با توجه به اصل تربیتی مراقبت و همچنین با در نظرگرفتن هدف واسطی مددکاری می‌توان روش همکاری را برای تربیت اخلاقی در متامدرنیسم به‌دست آورد. در این روش همه اقشار جامعه از فقیر و غنی گرفته تا دانشگاهی و کم‌سواد سعی می‌کنند به یکدیگر کمک کنند. همهٔ این اقشار در نظافت شهر در کنار پاکبانان قرار می‌گیرند و برای حفظ امنیت شهر در کنار پلیس قرار می‌گیرند. در این روش دانش‌آموزان می‌آموزند که اخلاق وفاق‌آفرین را با همدلی و همکاری محقق کنند تا مرزهای جامعهٔ تکه‌تکه شده پست‌مدرن را به واسطه روش همکاری با اصل همدلی کمرنگ و به یک کلیت اخلاقی دست پیدا کنند.

۴. **روش حضور شناسنامه‌ای**[3]: این روش از اصل تربیت اخلاقی صمیمیت فناورانه به‌دست می‌آید. طبق این روش دانش‌آموزان در فضای مجازی با نام و هویت شناسنامه‌ای خود حضور پیدا می‌کنند تا واقعیت و مجاز را ادغام کنند. با این روش همهٔ افراد را افرادی در فضای مجازی احاطه می‌کنند که دارای هویت واقعی‌اند و این به تقویت اعتماد و بهره‌گیری از فضای مجازی و دیجیتال ختم می‌شود. با این روش همهٔ اسامی متعلق به فرهنگهای گوناگون و دارای مرزهای جغرافیایی مختلف کنار هم قرار می‌گیرند و نوعی اخلاق کلیت‌ساز فناورانه با صمیمیت فناورانه و روش حضور شناسنامه‌ای ایجاد می‌شود.

۵. **روش تاریخ‌نگری**[4]: این روش از اصل تربیت اخلاقی توسعهٔ مرحله‌ای به‌دست می‌آید. طبق این روش دانش‌آموزان با مراجعه به کتابهای تاریخی با روند تکاملی وجودی و اخلاق بشریت آشنا می‌شوند. این آشنایی سبب می‌شود ضمن ایجاد نوعی اشتراک اخلاقی، اخلاق پست‌مدرنی طعنه‌گر

1. Genealogical method
2. Cooperation
3. Attendance with a birth certificate
4. History reading

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

جای خود را به اخلاق تاریخی و تکاملی بشریت بدهد، به‌گونه‌ای که با این روش دانش‌آموزان برای همه رویکردهای اخلاقی در جوامع گوناگون احترام قائل شوند.

۶. **روش بیان تناقض**[1]: این روش از ویژگی تناقض در متامدرنیسم به‌دست می‌آید. طبق این روش دانش‌آموزان با تناقضهای زندگی افراد خاص، حقایق متضاد درون و میان موضوعات مواجه می‌شوند تا در فضای مبهم و انزوای پست‌مدرنیسم بتوانند برای داشتن آینده‌ای بهتر، با یک‌دلخوشی احتمالی به زندگی ادامه دهند. این روش به نوعی آثار روحیه اجتناب‌ناپذیری مشکلات موجود درجامعهٔ پست‌مدرن را کاهش می‌دهد.

۷. **روش امید و خوش‌بینی**[2]: این روش از دو اصل تربیت اخلاقی دلخوشی احتمالی و روایتهای بزرگ به‌دست می‌آید. طبق این روش ابتدا حساسیت دانش‌آموزان، نسبت به نابرابریهای موجود جامعه در زمینه قدرت تحریک می‌شود و در ادامه، با بررسی و ارزیابی چگونگی چیره شدن بر نابرابری قدرت در جامعه، به تقویت اعتماد دانش‌آموزان به توان غلبه بر نابرابریهای موجود جامعه پرداخته می‌شود. بنابراین باید با ایجاد تمهیداتی موجب رشد تفکر مثبت و فعال در دانش‌آموزان شد تا با یافتن راه‌حلهایی برای اصلاح نابرابریهای موجود جامعه در برابر تفکر انزوا و سکوت در مقابل نابرابریهای قدرت، تغییراتی مثبت ایجاد کنند.



نمودار ۱. تربیت اخلاقی در متامدرنیسم

1. Paradox explanation method
2. The method of hope and optimism

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

■ نتیجه‌گیری ■

یافته‌های این پژوهش مشـــخص نمود که متامدرنیسم، اخلاق را مجموعه‌ای ثابت از قواعد در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را روندی سیال و وابسته به زمینه می‌داند که در آن از پذیرش «نوسان میان مدرنیته و پســـامدرنیته» و «تضادهای روحی» به درک اخلاق به‌منزلهٔ امری پویـــا و پیچیده می‌پردازد. درواقع اخلاق در متامدرنیسم از تلاقی میان «عقلانیت و احساسات»، «واقع‌گرایی و ایده‌آلیسم» و «تک‌نگری و نسبی‌گرایی» شکل می‌گیرد که دربردارنده عناصر عینی، نسبی‌گرایانه و احساسی است. بنابراین باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، اهداف، اصول و روشـــهای تربیت اخلاقی متامدرنیســـم ارائه شده است که زمینه افزودن یک رویکرد تربیت اخلاقی جدید به حیطهٔ رویکردهای تربیت اخلاقی در هزاره ســـوم را فراهم نموده اســـت. همچنین، یافته‌های این پژوهش، علاوه بر شـــناخت ویژگیهای اخلاقی حال حاضر قسمتی از جهان، به گسترش دامنهٔ نظری متامدرنیسم نیز انجامیده است. در واقع این پژوهش می‌تواند به پژوهشگران و مسئولان تربیتی کشور، برای چیره شدن بر بحرانهای ایجاد شده بر اثر تداخل تجدد و سنت در نظام آموزشی کشور کمک کند. در پایان یادآور می‌شود که نویسندگان این پژوهش معتقدند که مطالعه و گسترش نتایج این پژوهش، می‌تواند برای پژوهشگران داخلی و خارجی قابل استفاده و مفید باشـــد. در ضمن سرآغازی است برای تدوین فلسفه تعلیم وتربیت نوین، برنامه درسی پیشرفته، آموزش فناورانه در هزاره سوم، طراحی آموزشی و سایر رشته‌های علوم تربیتی.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

منابع

REFERENCES

آهنچیان، محمدرضا و طاهرپور، محمدشریف. (۱۳۹۰). نشانه‌های مدرنیته در نظام آموزش و پرورش ایران. *مهندسی فرهنگی*، ۵ (۵۳ و۵۴)، ۸-۲۶.

رضایی، مهدی. (۱۳۹۱). چیستی‌شناسی روش پژوهش در فلسفه تعلیم‌وتربیت اسلامی. *پژوهش در مسائل تعلیم‌وتربیت اسلامی*، ۲۰ (۱۵)، ۲۹-۵۳.

Abramson, S. (2015). *Ten basic principles of metamodernism.* HuffPost. https://www.huffpost.com/entry/ten-key-principles-in-metb7143202

Allen, A. F. (2021). *After postmodernism: Ethical paradigms in contemporary American fiction.* (Doctoral dissertation, Ludwig-Maximilians-Universität, München).

Bourriaud, N. (2009). *Altermodern*. Tate Triennial 2009. London: Tate Publishing.

Camplin, T. (2020). Metamodernism and morality. *Medium*. Available at: https://medium.com/complexity-liberalism/metamodernism-and-morality-597d8f8a51d9 (Accessed 27 May 2022).

Damico, P. (2017). *An introduction to metamodernism*. *Against professional philosophy.* Available at: https://againstprofphil.org/2017/04/24/an-introduction-to-metamodernism

Dumitrescu, A. (2016). What is metamodernism and why bother? Meditations on metamodernism as a period term and as a mode. *Electronic Book Review,* 4.

Fein, E. (2020). Hanzi Freinacht (2017). The listening society: A metamodern guide to politics (Book One). Metamoderna ApS. *Integral Review, 16*(2).

Freinacht, H. (2019). *Nordic ideology: A metamodern guide to politics* (Book Two). Metamoderna ApS.

Kılıçoğlu, G., & Kılıçoğlu, D. Y. (2020). The birth of a new paradigm: Rethinking education and school leadership with a metamodern 'lens'. *Studies in Philosophy and Education*, *39*(1). https://doi.org/10.1007/s11217-019-09690-z.

Kunze, P. (Ed.). (2014). *The films of Wes Anderson: Critical essays on an Indiewood icon*. Palgrave Macmillan.

Lipovetsky, G., & Charles, S. (2005). *Hypermodern times*. Cambridge: Polity Press.

Moraru, C. (2011). *Cosmodernism: American narrative, late globalization, and the new cultural imaginary*. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.

Nealon, J. T. (2012). *Post-postmodernism: Or, the cultural logic of just-in-time capitalism*. Stanford, CA: Stanford University Press.

Peterson, J. (2018). *Metamodernism and the IDW*. www.reddit.com.

Shabanova, Y. O. (2020). Metamodernism man in the worldview dimension of new cultural paradigm. *Anthropological Measurements of Philosophical Research*, *18*, 121-131. https://doi.org/10.15802/ampr.v0i18.221402

Turner, L. (2011). *Metamodernist // Manifesto*. URL: http://www.metamodernism.org.

Vermeulen, T., & van den Akker, R. (2010). Notes on metamodernism. *Journal of Aesthetics & Culture, 2*(1), Article 5677. https://doi.org/10.3402/jac.v2i0.5677

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]

Quarterly Journal of
Education

Morality in Metamodernism and its Implications for Morality Education

M. Zabaandaan[1] ◉ M. H. Mirzaamohammadi, Ph.D.[2*] ◉ M. Farmahini Faraahaani, Ph.D.[2]

Abstract

In order to clarify the principles and methods of moral education from a metamodernistic perspective, it was deemed necessary to explore this perspective first. To do so, initially a systematic review of experts' opinions on morality in metamodernism was undertaken, and then their educational implications were derived. The initial stage of the study yielded six characteristics for morality which are being: composite, structured, diverse yet centered, actively hierarchical, original, and care oriented. It appears that the ultimate goal in metamodernistic approach to moral education is the development of an active person within the isolationist atmosphere of the postmodern era, and as such includes eight mediating objectives along with eight principles and seven methods for moral education.

Keywords: **Metamodernism, morality, morality education, educational objectives, educational principles and methods**

Date Received: Oct. 15, 2022 **Date Accepted:** April 14, 2023

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Doctoral Graduate in Philosophy of Education, Shahed University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
E-mail: mirzamohammadi@shahed.ac.ir

2. Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-11-17]